

بهترین جواب برای حکم تصویر و مجسمه سازی

نویسنده:

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمته

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بهترین جواب برای حکم تصویر

سؤال: حکم تصویر که امروزه همه گیر شده و مردم در آن فرو رفته‌اند چیست؟
لطفاً جواب را بطور کامل بفرمائید و توضیح دهید چه نوع آن حلال و چه نوع حرام است؟

جواب: الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، أما بعد:
روایت‌های بسیاری در کتب صحاح، مسندها و سنن از پیامبر ﷺ روایت شده که دال بر حرام بودن هر گونه تصویر از موجودات جاندار می‌باشد؛ خواه انسان باشد یا حیوان، و نیز دال بر پاره کردن پارچه‌هایی که دارای عکس و صورت می‌باشند و امر شده به پاک نمودن و از بین بردن تصاویر و عکس و همچنین به تصویر کشان نفرین فرستاده شده و به شدیدترین عذاب در دوزخ تهدید شده‌اند.

در اینجا من گزیده‌ای از احادیث صحیحی که در این موضوع گفته شده‌اند بیان می‌کنم و نظرات برخی دانشمندان را می‌آورم و رأی درست را ان شاء الله بیان می‌کنم.
در صحیحین از ابی هریره رضی الله عنه نقل شده و می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: «قال الله تعالى: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ خَلْقًا كَخَلْقِي فَلْيَخْلُقُوا ذَرَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا حَبَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا شَعِيرَةً!».

«خداوند جل جلاله فرمود: ظالم‌تر از کسی که به مانند مخلوقات من موجوداتی را می‌سازند کیست؟ (اگر می‌توانند) ذره‌ای یا دانه‌ای و یا یک دانه جو را بسازند!!».

و نیز در صحیحین آمده که از ابن مسعود نقل شده که پیامبر ﷺ فرمود:
«إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُصَوِّرُونَ».

یعنی: «معدبترین مردم در روز قیامت صورتگران (عکاسان) می‌باشند»؟! و از ابن عمر رضی الله عنهما در کتاب صحیحین آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الَّذِينَ يَصْنَعُونَ هَذِهِ الصُّوَرَ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لَهُمْ أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ!».

یعنی: «کسانی که این تصاویر را می‌کشند در روز رستاخیز تعذیب داده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: آنچه درست کرده اید دوباره زنده کنید».

و امام بخاری در صحیح خود آورده که ابی جحیفه رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از خرید و فروش خون، سگ و کسب بغی نهی فرمودند و ربا خواران و وکیل آنها و به کسانی که در خود و یا دیگران خالکوبی می‌کنند و نیز به تصویر گران لعن و نفرین فرستاد.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فِي الدُّنْيَا كَلَّفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفَخَ فِيهَا الرُّوحَ، وَلَيْسَ بِنَافِخٍ»^۱.

یعنی: «کسی که در دنیا شکلی را بتصویر بکشد (در قیامت) وی را مجبور می‌کنند که در آن روح بدمد در حالی که نمی‌تواند».

از سعید بن ابی الحسن آمده که گفت: مردی پیش عبد الله بن عباس آمد و گفت: شغل من تصویر گری است و این تصویرها را می‌کشم در این باره برایم فتوا بده. ابن عباس فرمود: به من نزدیک شو. آن مرد هم به او نزدیک شد سپس گفت نزدیک تر بیا. آنقدر نزدیک شد که ابن عباس دستش را روی سر آن مرد گذاشت و گفت: آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ام می‌گویم، از پیامبر شنیدم که می‌فرمود:

«كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يَجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا نَفْسًا فَتُعَذَّبُ فِي جَهَنَّمَ».

وقال: «إِنَّ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَاصْنَعِ الشَّجَرَ وَمَا لَا نَفْسَ لَهُ». یعنی: «هر تصویر

۱- لفظ بخاری.

۲- متفق علیه.

گری در آتش است، و به ازای هر تصویر هر نفسی که کشیده او را در جهنم قرار می‌دهند که او را تعذیب دهند. سپس ابن عباس گفت: اگر هم خواستی این کار را انجام دهی درخت و اشیاء بی‌جان را به تصویر بکش.»

و امام بخاری هم این قول ابن عباس را که می‌گوید: «إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا» را همچون مسلم ذکر کرده.

و ترمذی در جامع خود این حدیث را نقل نموده و می‌گوید: این حدیث حسن و صحیح است.

أبی زبیر از جابر رضی الله عنه نقل نموده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله از هر گونه تصویر در خانه و از اینکه تصویری ساخته شود نهی فرمود^۱.

۱- لازم به ذکر است که در تصویر الکترونیکی با دروبین عکاسی و غیره اختلاف هست و غالب علمای جهان اسلام آن را مجاز می‌دانند، همانطور که اکثریت علما تصاویر جاندارانی را که با دست کشیده می‌شود ناجایز می‌دانند.

بهترین جواب برای حکم تصویر و مجسمه‌سازی

نویسنده: عبد العزیز بن عبد الله بن باز

از عایشه رضی اللہ عنہا روایت شده که گفت: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم پیش من آمد و من پرده‌ای را بر روی چوبی آویزان کرده بودم که در آن تصاویری کشیده شده بود. وقتی که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم چشمش به پرده افتاد آنرا پاره کرد و سر و صورتش تغییر کرد و گفت:

«يَا عَائِشَةُ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ».

یعنی: «دردناکترین عذاب در روز قیامت از آن کسانی است که مانند مخلوق و مصنوع خدا را می‌سازند». عایشه رضی اللہ عنہا فرمود: سپس از آن یک یا دو پستی ساختیم. بخاری آنرا تخریج نموده. و نیز از عایشه رضی اللہ عنہا نقل شده و گفت: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم از سفری بر گشت و من پارچه‌ای را که در آن تصاویری کشیده شده بود آویزان کرده بودم. دستور فرمودند که آنرا بر دارم که من آنرا از دیوار کندم. بخاری این حدیث را روایت کرده و مسلم نیز همین روایت را با این لفظ آورده: ... که من پارچه‌ای را بر روی در آویزان کرده بودم که در آن تصاویر اسبهایی با بال کشیده شده بود که به من دستور دادند و آنرا کندم. از قاسم بن محمد نقل شده که عایشه رضی اللہ عنہا به او خبر داد:

بالشی را خریده بود که بر روی آن تصاویری کشیده شده بود، هنگامی که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم آنرا دید بر سر در ایستاد و داخل نشد و در سیمایش فهمید که از چیزی بدش می‌آید، و عایشه فرمود: یا رسول الله! به نزد خدا و رسولش توبه می‌کنم، چه گناهی مرتکب شده‌ام؟ پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: این پستی چیست؟ عایشه گفت: آنرا برای شما خریده‌ام تا بر روی آن بنشینید و به آن تکیه کنید. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «إِنَّ أَصْحَابَ هَذِهِ الصُّورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. فَيُقَالُ لَهُمْ أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ. وَقَالَ إِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الصُّورُ لَا تَدْخُلُهُ».

الْمَلَائِكَةُ»^۱.

یعنی: «سازندگان این تصاویر در روز قیامت تعذیب داده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: آنچه که ساخته اید زنده گردانید. و گفت: که خانه‌ای که در آن تصویر باشد ملائکه در آن داخل نمی‌شوند». بخاری و مسلم این روایت را نقل کرده‌اند و مسلم از روایت ابن ماجشون این جمله را افزوده که عایشه فرمود: آنرا برداشتم و از آن دو تا پستی ساختم که در خانه به آن تکیه می‌دادند. و از ابن عباس رضی الله عنهما نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تَمَائِيلٌ»^۲.

یعنی: «ملائکه وارد خانه‌ای نمی‌شود که در آن سگ و یا تمثال باشد».

و مسلم از زید بن خالد و او از ابی طلحه بطور مرفوع نقل نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ».

یعنی: «ملائکه وارد خانه‌ای نمی‌شود که در آن سگ و یا تصاویر باشد». مسلم از طریق عایشه و میمونه هم مانند این روایت را نقل کرده است. مسلم همچنین از ابی‌الهیاج اسدی نقل نموده که گفت: علی رضی الله عنه به من گفت:

آگاه باش تو را به چیزی بر می‌انگیزم که پیامبر صلی الله علیه و آله من را به آن بر انگیخته است و آن این است که هیچ تصویری را جا نگذاری مگر اینکه آنرا از بین ببری و هر قبری را که دیدی برآمدگی داشت آنرا با خاک یکسان نمایی.

ابو داود با سند جید، از جابر رضی الله عنه نقل نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه در بطحاء به عمر بن خطاب رضی الله عنه امر فرمود که به کعبه رود و تمام تصاویری که در آن هست از بین ببرد، و پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مکه نشد تا تمام تصاویر برداشته شد. ابو داود طیالسی در مسند خود از اسامه نقل کرده که گفت: در کعبه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفته آنجا تصاویری را دید،

۱- رواه البخاري و مسلم.

۲- متفق علیه واللفظ لمسلم.

پیامبر ﷺ دلوی از آب را خواست، آنرا تهیه کردم شروع کرد به پاک کردن آنها و می‌گفت: «قَاتَلَ اللَّهُ قَوْمًا يُصَوِّرُونَ مَا لَا يَخْلُقُونَ».

یعنی: «خدا قومی را نابود کند که چیزهایی را به تصویر می‌کشند که نمی‌توانند آنها را خلق نمایند». و امام بخاری در صحیح خود از عایشه رضی الله عنها نقل کرده که: پیامبر ﷺ در خانه خودش هر چیزی را که می‌دید در آن تصاویری وجود دارد حتماً آنرا از بین می‌برد. در صحیحین آمده که بسر بن سعید از زید بن خالد و او از ابی طلحه نقل نموده که پیامبر ﷺ فرمود: «أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ».

یعنی: «ملائکه وارد خانه‌ای نمی‌شود که در آن تصویر باشد». بسر گفت: سپس زید بیمار گشت و ما به عیادتش رفتیم، بر سر در خانه زید پارچه‌ای را دیدم که بر روی آن تصاویری کشیده شده بود، به عبید الله خولانی، ربیب میمونه همسر پیامبر ﷺ گفتم: چرا زید روز اول در باره این تصاویر چیزی نگفت؟ عبیدالله گفت: مگر نشنیدی که گفت: «إِلَّا رَقْمًا فِي ثَوْبٍ» بغیر از آنچه که بر روی لباس کشیده شده است.

و در روایتی دیگر از آن دو از طریق عمرو بن حارث از بکیر اشج و او از بسر نقل می‌کند که به عبید الله خولانی گفته: چرا در مورد تصاویر چیزی نگفت؟ جواب داد که گفت: «إِلَّا رَقْمًا فِي ثَوْبٍ» مگر نشنیدی؟ گفتم: نه، و گفت: بله این را گفت.

و در مسند و سنن نسائی، از عبیدالله بن عبد الله نقل شده که او پیش ابی طلحه انصاری برای عیادتش رفته نزد او سهل بن حنیف را می‌یابد، ابو طلحه به کسی که آنجا بوده دستور می‌دهد فرش نمطی خانه را پاره کند، سهل به او گفت: چرا آن را پاره می‌کنید؟ ابو طلحه گفت: چون در آن تصاویر وجود دارد. و پیامبر ﷺ درباره تصاویر آنچه که خودت می‌دانی گفته! سهل گفت: مگر پیامبر ﷺ نفرمود: «إِلَّا رَقْمًا فِي ثَوْبٍ»؟ ابو طلحه فرمود: بله این را گفت ولی من خودم این را ترجیح می‌دهم و برای خودم این بهتر است. سند این روایت جید است و ترمذی نیز با همین لفظ روایت کرده و گفته: سند حدیث حسن و صحیح می‌باشد.

ابوداود و ترمذی و نسائی با سند جید از ابی هریره روایت می‌کنند که گفت:
پیامبر ﷺ فرمود: «أَتَانِي جِبْرِيلُ فَقَالَ لِي إِنِّي كُنْتُ أَتَيْتُكَ الْبَارِحَةَ فَلَمْ يَمْنَعْنِي أَنْ أَكُونَ دَخَلْتُ عَلَيْكَ الْبَيْتَ الَّذِي كُنْتُ فِيهِ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ عَلَى الْبَابِ تَمَاثِيلٌ وَكَانَ فِي الْبَيْتِ قِرَامٌ سِتْرٌ فِيهِ تَمَاثِيلٌ وَكَانَ فِي الْبَيْتِ كَلْبٌ فَمُرُّ بِرَأْسِ التَّمْثَالِ الَّذِي فِي الْبَيْتِ فَلْيُقْطَعْ فَيَصِيرُ كَهَيْئَةِ الشَّجَرَةِ وَمُرُّ بِالسِّتْرِ فَلْيُقْطَعْ فَلْيَجْعَلْ مِنْهُ وَسَادَتَيْنِ مَنبُودَتَيْنِ تُوْطَآنِ وَمُرُّ بِالْكَلْبِ فَلْيُخْرِجْ»..

یعنی: «جبرئیل نزد من آمد و به من گفت: دیشب نزد تو آمدم ولی چیزی که مانع ورود من به داخل خانه گشت این بود که: بر روی در خانه تصاویر وجود داشت و در داخل خانه سرا پرده با تصاویر آویزان شده بود و نیز در داخل خانه سگ وجود داشت پس سر تصاویر را قطع کن تا شبیه درخت شود و دستور دهید پارچه را قطعه قطعه کنند و از آن دو تا پشتی بسازند که دور انداخته شده و در زمین پهن شوند، دستور دهید سگ را بیرون کنند. پیامبر ﷺ این کار را انجام داد و سگ را که از حسن یا حسین بود دستور داد و خارج نمودند». این لفظ ابو داود بود و لفظ ترمذی نیز به همین شیوه است و لفظ نسائی: «اسْتَأْذَنَ جِبْرِيلُ النَّبِيَّ ﷺ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: ادْخُلْ. فَقَالَ كَيْفَ ادْخُلُ وَفِي بَيْتِكَ سِتْرٌ فِيهِ تَصَاوِيرٌ فَمَا أَنْ تُقْطَعَ رُءُوسُهَا أَوْ تُجْعَلَ بِسَاطًا يُوْطَأُ فَإِنَّا مَعْشَرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ تَصَاوِيرٌ».

یعنی: «جبرئیل از پیامبر ﷺ اذن خواست که وارد خانه شود، پیامبر ﷺ فرمود: داخل شو؛ جبرئیل در جواب گفت: چگونه وارد خانه شما شوم در حالی که در خانه تو پارچه‌ای که تصاویر در آن هست وجود دارد؟ یا سر آنها را قطع کن یا آنها مانند فرش در زمین پهن کن؛ زیرا ما جمع فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شویم که در آن تصاویر وجود داشته باشد. در این موضوع احادیث فراوانی وجود دارد که ما ذکر نکردیم».

این احادیث و آنچه در معنای آنهاست بطور ظاهر دلالت می‌کنند بر اینکه تصویر کشیدن هر موجود زنده‌ای حرام است و در زمره گناهان کبیره است که مرتکبین آن را به آتش دوزخ وعده می‌دهند. و این شامل هر نوع تصویری می‌شود، خواه تصویر سایه

داشته باشد یا نداشته باشد و یا اینکه تصویر بر روی دیوار باشد یا بر روی پارچه یا پیراهن یا آینه یا بر روی کاغذ و ... کشیده شده باشد. بلکه تصویرگر نفرین و لعن شده و بیان شده که تصویرگران دردناکترین و شدیدترین عذاب را در قیامت خواهند داشت و هر تصویرگری در آتش است و این را بطور عام و مطلق آورده و هیچ استثنائی هم قایل نشده. و چیزی که عمومیت را می‌رساند آن است که وقتی پیامبر ﷺ تصاویر را بر روی پارچه نزد عایشه رضی الله عنها دیدند آنرا پاره کردند و چهره شان تغییر نمود و فرمودند: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُصَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ». و در لفظی دیگر می‌فرمایند: «إِنَّ أَصْحَابَ هَذِهِ الصُّورِ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُقَالُ لَهُمْ أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ».

این لفظ و سایر روایات مشابه دلیل است برای عمومیت مسأله خواه تصویر بر روی پارچه باشد و یا غیر آن ...

و اما آنچه در روایات ابی طلحه و سهل بن حنیف آمده که می‌گوید: «إِلَّا رَقْمًا فِي ثَوْبٍ» این استثناء است از موارد تصویرهایی که مانع ورود ملائکه به خانه می‌شود نه استثناء از تصویر، و این مسأله از سیاق حدیث فهمیده می‌شود، و منظور از آن این است که: باید شکل و صورت بر روی پارچه و امثال آن بگونه‌ای باشد که در زمین پهن گردد و یا بی‌ارزش جلوه نماید و یا بر پستی و ... باشد که بی‌ارزش باشند و آنرا گرامی ندارند. و روایتی که عایشه آنرا نقل نمود که پارچه‌ها را قطعه قطعه نمود و از آن پستی ساخت بر این امر دلالت می‌کند و نیز حدیثی که ابی هریره روایت نمود و قول جبرئیل به پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «فَمُرُّ بِرَأْسِ التَّمْثَالِ الَّذِي فِي بَابِ الْبَيْتِ يُقَطِّعُ فَيَصِيرُ كَهَيْئَةِ الشَّجَرَةِ وَمُرُّ بِالسِّتْرِ فَلْيُقَطِّعْ فَلْيُجْعَلْ مِنْهُ وَسَادَتَيْنِ مَنْبُودَتَيْنِ تُوْطَأَنَّ». و پیامبر هم همین کار را انجام داد. این دلیل است بر اثبات مدعای ذکر شده.

درست نیست که استثناء را بر تصاویر موجود در پارچه‌های آویزان و یا آنچه بر در و

دیوار آویخته شده‌اند، حمل نمود زیرا حدیث عایشه رضی الله عنها صراحتاً بر حرام بودن اینها دلالت می‌کند و دلیل است بر واجب بودن برداشتن آن و پاره کردن آنها همانطور که بیان گردید. و آنچه که ابی هریره نقل کرده صراحتاً می‌گوید این پارچه‌ها مانع از ورود ملائکه به خانه‌ها می‌شوند تا اینکه بر روی زمین پهن گردند و یا سر مجسمه‌ها قطع شوند تا شبیه درخت شوند؛ و معلوم است که احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله با هم متناقض نیستند، بلکه بعضی از آنها بعضی دیگر را پشتیبانی نموده و تأیید می‌کند، و هر وقت مجالی برای جمع دو حدیث باشد این کار واجب است. و همانطور که در علم اصول و علوم حدیث ذکر شده باید مقررات مربوط به ترجیح و نسخ رعایت گردد. و حافظ ابن حجر رحمته الله در فتح الباری آنچه من برگزیده‌ام ترجیح داده و می‌گوید:

خطابی گفته: تصاویری که ملائکه بخاطر آنها وارد خانه نمی‌شوند، آنهایی هستند که نگهداری آنها حرام است مانند تصویر اشیاء جاندار که سر آنها قطع نشده و یا نامحترم نباشند. همچنین خطابی می‌گوید: علت اینکه عقوبت تصویرگر بزرگ شمرده شده، این است که این تصاویر پرستیده می‌شدند و نگاه کردن به آنها باعث فتنه شده و بعضی از نفوس به آن تمایل پیدا می‌کنند.

امام نووی در شرح مسلم می‌فرماید: این باب مربوط است به مبحث حرام بودن تصویر برداری از حیوانات و تحریم تصویرهایی که بر روی فرشها و غیره است که گرامی داشته می‌شوند؛ و اینکه فرشتگان وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ و تصویر باشد. و نووی ادامه می‌دهد و می‌گوید اصحاب ما و علمای دیگر هم می‌گویند: تصویر هر حیوان جنبنده‌ای شدیداً حرام است و از جمله گناهان کبیره می‌باشد؛ زیرا آنها به شدیدترین شیوه تهدید شده‌اند؛ همانگونه که در احادیث ذکر شده آمد. ساختن و درست کردن تمثال و کشیدن تصویر در هر صورت حرام است خواه بر روی اشیاء محترم باشد یا غیر محترم و بی‌ارزش، زیرا این شغل و صنعت حرام است چون همانند سازی است به مخلوقات خداوند است خواه بر روی لباس، پارچه، پول، سکه، درهم، دینار، ظروف و یا

بر روی دیوار و غیره کشیده شود، ولی رحل شتر و امثال آن که صورت حیوان و جاننداری در آن نباشد حرام نیست. اما برداشتن عکسی که در آن تصویر موجود زنده‌ای باشد، اگر بر روی دیوار آویزان باشد یا لباس پوشیدنی باشد یا عمامه و امثال آن باشد که بی‌ارزش نیستند این موارد حرام هستند؛ و اگر تصویر بر روی بساطی که لگد مال می‌شوند و یا بالش و پستی و امثال اینها باشد که خوار و بی‌مقدار هستند از لحاظ معنوی اشکالی ندارد تا آنجا که نووی گفت: تفاوتی نیست در تمامی موارد ذکر شده خواه سایه داشته باشد یا نداشته باشد.

این خلاصه آراء و نظرات مذهب ماست در این مسأله و همین معنی و مفهوم را جمهور علماء از صحابه و تابعین و غیره گفته‌اند و این مذهب ثوری، مالک، ابی حنیفه و غیره می‌باشد.

و برخی از سلف می‌گویند: آنچه که مورد نهی است، تصاویری است که سایه داشته باشند و آنچه که سایه ندارد مشکلی ندارد. ولی این مذهب باطل است؛ زیرا تصویری که پیامبر ﷺ از آن نهی فرمود سایه نداشت و همچنین بقیه موارد ذکر شده.

و حافظ بعد از آوردن خلاصه نظر نووی می‌گوید: می‌گویم روایتی که امام احمد از علی رضی الله عنه نقل کرده عام است و شامل سایه دار و بی‌سایه می‌شود که می‌فرماید: «أَيُّكُمْ يَنْطَلِقُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَا يَدْعُ بِهَا وَثْنًا إِلَّا كَسْرَهُ وَلَا صُورَةَ إِلَّا لَطْخَهَا» یعنی: «هر کس از شما به سوی مدینه رفتید هیچ بتی را نگذارید مگر اینکه آنها را بشکنید و هر تصویری را دیدید آنرا بزیند». و نیز آمده که: هر کس به چنین صنعتی برگردد به آنچه بر محمد نازل شده کافر گشته است.

می‌گویم: هر کس در احادیث ذکر شده اندک تأملی بکند برایش روشن خواهد شد که این مسأله عام است و هیچگونه تفاوتی میان سایه دار و بی‌سایه نمی‌باشد. همانگونه که توضیح آن گذشت.

اگر پرسیده شود همانطور که در روایت زید بن خالد از ابی طلحه آمده که می‌گوید

بعد از اینکه زید بیمار گشت و ما به عیادتش رفتیم و بر سر در خانه ایشان پارچه مصور آویزان شده بود. ظاهراً این را می‌رساند که زید معتقد بوده آویزان نمودن این پارچه‌ها جایز است!

جواب: احادیثی که از عایشه رضی الله عنها نقل شد و آنچه در معنای آنها آمده بدون شک دلالت می‌کنند بر تحریم پارچه‌هایی که بر آنها تصویر کشیده شده است و نیز دلیل است بر وجوب پاره کردن و از بین بردن آنها و همچنین باعث تنفر فرشتگان می‌شود و وارد خانه‌ای نمی‌شوند که در آن این تصاویر وجود داشته باشد.

و اگر این احادیث صحیح باشند و فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله باشند گفته و نظر یک نفر نمی‌تواند با آن مخالفت کند، بلکه بر مؤمن و مسلمان واجب است که از آن تبعیت نموده و به آن چنگ بزند و هر آنچه مخالف این احادیث است باید رد نماید. همانطور که داوند جل جلاله که در سوره حشر می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].

«چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید و از چیزهایی که شما را از آن باز داشته است، دست بکشید».

و در سوره نور آیه: ۵۴ می‌فرماید: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۵۴]. «بگو از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید، اگر سر پیچی کردید و روی گردان شدید بر او انجام چیزی واجب است که بر دوش وی نهاده شده است و بر شما هم انجام چیزی واجب است که بر دوش شما نهاده شده است اما اگر از او اطاعت کنید هدایت خواهید یافت، بر پیغمبر چیزی جز ابلاغ روشن و تبلیغ آشکار نیست».

خداوند جل جلاله در این آیه هدایت را برای کسی که از پیغمبر اطاعت می‌کند تضمین نموده است. و خداوند می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

«آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند باید از این بترسند که بلائی گریبانگیرشان گردد، یا اینکه عذاب درد ناکی دچارشان شود».

شاید زید رضی الله عنه نمی‌دانست که در پارچه آویزان شده تصویر هست، و یا احادیثی که دال بر تحریم آویزان کردن پارچه‌هایی به تصویر کشیده شده می‌باشند به او نرسیده باشد، و به ظاهر قول پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌فرماید:

«إِلَّا رَقْمًا فِي ثَوْبٍ» عمل نموده، بنابراین معذور می‌باشد چون به آن آگاهی نداشته است.

ولی کسانی که بر این احادیث صحیح علم و آگاهی دارند هیچ عذری برای مخالفت با آن ندارند، و اگر کسی، تنها بخاطر هوا و آرزوی نفسانی خود و یا بخاطر تقلید از شخصی با این روایات مخالفت ورزد، مستوجب غضب و عذاب پروردگار می‌شود. و ترس آن می‌رود که دچار لغزش قلب و فتنه قلبی شود، همانگونه که خداوند جل جلاله هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ﴾.

و یا در سوره صف آیه ۵ چنین می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾ [الصف: ۵].

«آنان چون از حق منحرف شدند خداوند دل‌هایشان را بیشتر از حق دور داشت». و یا در

سوره توبه می‌فرماید: ﴿فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ [التوبة: ۷۷].

«خداوند نفاق را در دل‌هایشان پدیدار و پایدار ساخت».

حدیثی که ابی هریره روایت نمود دلیل بر آن است که تصویر و تمثال اگر سر آن جدا شده باشد درست است آنرا در خانه نگهداری کرد؛ زیرا آن وقت همچون درخت می‌ماند، و این بدان معنی است که تصویر درخت و امثال آن از نباتات و گیاهان جایز است، همانطور که صراحتاً از حدیثی که شیخین از ابن عباس روایت کرده‌اند معلوم می‌شود.

و نیز از حدیث ابی هریره می‌توان استنباط نمود که قطع غیر سر از اعضای مجسمه کافی نیست و استعمال آن مباح نمی‌باشد و ممانعت ورود ملائکه برداشته نمی‌شود.

زیرا پیامبر ﷺ دستور فرموده که تصاویر را پاره کرده و آنرا محو و نابود سازید و بیان فرموده که این تصاویر مانع ورود ملائکه به خانه می‌شود مگر مواردی که استعمال آنها بی‌ارزش و پست باشد و یا سر آن بریده شده باشد. در غیر اینصورت هر کسی ادعایی برای جواز آن داشته باشد باید از کتاب و سنت دلیل بیاورد و گرنه پذیرفته نخواهد شد. زیرا پیامبر ﷺ فرموده: تصویر وقتی که سر آن قطع شد باقیمانده آن همانند درخت خواهد بود و این دلیل می‌شود برای اینکه جواز بقای آن، بیرون رفتن از شکل موجودات دارای روح می‌باشد و تشابه به جمادات است؛ و اگر قسمت پائین تصویر قطع شود اینگونه نخواهد بود چون صورت آن باقی خواهد ماند و در خلق سر و صورت تکاملی وجود دارد که در بقیه اعضای بدن دیده نمی‌شود، پس نمی‌توان بقیه اعضا را به سر قیاس نمود.

با این توضیحات برای کسی که طالب حق و حقیقت است روشن است که تصویر سر و بقیه اعضای حیوان داخل در تحریم می‌باشد و مانع ورود ملائکه می‌گردد؛ زیرا احادیث مذکور شامل این هم می‌شود و هیچ کس نمی‌تواند از عموم آن استثناء قایل شود غیر از آنچه شارع استثناء نموده باشد. و هیچ‌گونه تفاوتی نیست میان اینکه این تصاویر مجسمه باشند یا نقاشی بر روی پارچه، کاغذ و یا امثال اینها. تفاوتی نیست میان تصاویر آدمی و غیر آدمی بلکه شامل هر موجود زنده‌ای می‌شود. و نیز تفاوتی میان تصویر پادشاه و عالم و دانشمند و افراد عادی نیست بلکه نهی در تصویر افراد بزرگ و دانشمندان بیشتر و شدیدتر است و فتنه‌انگیزی آنها بزرگتر است و گذاشتن عکس و تمثال آنها در مجالس و تعظیم آنها از بزرگ‌ترین وسایل شرک و پرستش غیر خدا بحساب می‌آید، همانگونه که برای قوم نوح پیش آمد و در کلام خطابی هم اشاره‌ای به این مسأله شد.

در عهد جاهلی، تصویر و تمثال خیلی زیاد بود و بسیار تعظیم می‌شدند و بجای خدا پرستیده می‌شدند تا اینکه خداوند پیامبر را فرستاد و بتها را شکست و تصاویر را محو و نابود ساخت و شرک و وسایل آن را برداشت. پس هر کس تصویری را بکشد یا در

جایی نصب کند یا تعظیم کند به کفار تشابه ورزیده و باب شرک را بر مردم باز نموده و هر کس دستور ساخت تصویر را صادر نماید و یا به آن رضایت دهد حکم او همچون سازنده خواهد بود و مستحق همان وعده وعیدی است که به سازنده داده شده است چون در قرآن و سنت و نیز در کلام اهل علم آمده که امر به گناه و معصیت و راضی بودن به آن حرام است همانگونه که برای فاعل آن حرام است خداوند جل جلاله می‌فرماید:

﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۗ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾﴾ [الأنعام: ٦٨].

«هر گاه دیدی کسانی به تمسخر و طعن در آیات ما می‌پردازند از آنان روی بگردان تا آنگاه که به سخن دیگری می‌پردازند. اگر شیطان از یاد تو برد، پس از بخاطر آوردن، با قوم ستمکاران منشین.»

و نیز در سوره نساء می‌فرماید:

﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۗ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ﴾ [النساء: ١٤٠].

«خداوند در کتاب (قرآن، این حکم را) بر شما نازل کرده است که چون شنیدید به آیات خدا کفر ورزیده می‌شود و آیات خدا ببازیچه گرفته می‌شود، با چنین کسانی منشینید تا آنگاه که به سخن دیگری پردازند (دست از کفر و شوخی نا بهنجار خود بردارند) بی‌گمان در این صورت (که با ایشان هم‌منشین می‌شوید و به استهزاء آنان گوش فرا می‌دهید) شما هم مثل آنان خواهید بود (و در استهزاء به قرآن شریک ایشان خواهید گشت)».

این ثابت می‌نماید که هر کس با اهل منکر هم‌منشین گردد و خود را از آنان جدا نکند، از آنان بحساب می‌آید.

پس وقتی ساکت از منکر مانند اهل منکر بحساب آید، کسانی که به منکر امر می‌کنند و یا به آن راضی هستند باید جرمشان سنگین‌تر و حال و وضعشان در قیامت وخیم‌تر

باشد، و دلیل بر این مدعی بسیار است و هر کس که بخواهد در جای خود می‌تواند آنرا بیابد.

از آنچه گذشت در این جواب با استدلال به احادیث و نظریه‌ی علما برای کسی که خواهان حق و حقیقت است روشن شده است که آنچه ما امروزه در مجلات و روزنامه‌ها و مطبوعات بطور عام می‌بینیم، که در کشیدن تصاویر موجودات جاندار فرو رفته‌اند، خطایی بزرگ و گناهی آشکار است که بر هر نفس آگاه و روشنی واجب است که از آن برحذر باشد و برادران ایمانی خود را نیز از آن دور نماید و مردم را نصیحت کند و خود و دیگران را به توبه نصوح دعوت نماید.

علاوه بر این، باید در نابود کردن این همه تصاویر بکوشد؛ زیرا آنگونه که در احادیث گذشته استنباط می‌شود نباید این تصاویر را به حال خود رها نمود بلکه باید یا سر آنها را قطع نمود و یا آنها را پاک نمود مگر اینکه این تصاویر بر روی پارچه‌ها و وسائلی باشند که خوار و بی‌ارزش معنوی هستند که در این صورت اشکالی ندارد همانطور که در حدیثی که عایشه و ابو هریره نقل نمودند پیدا است.

و اما آنچه بصورت عروسک بر شکل موجودات زنده درست شده‌اند مورد اختلاف علماء می‌باشد که آیا درست است آنرا برای دختر بچه‌ها درست نمود و یا خیر؟ همانطور که در صحیحین ثبت گردیده عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: نزد پیامبر با عروسکها بازی می‌کردم و من دوستانی داشتم که با من بازی می‌کردند و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد پخش می‌شدند و پیامبر آنها را پیش من می‌آورد تا با من بازی کنند.

حافظ ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: به این حدیث استدلال شده بر اینکه برداشتن عروسکها برای دختران تا با آن بازی کنند جایز است و این مسأله از عموم نهی حدیث تخصیص داده شده، و قاضی عیاض رحمته الله نیز بر همین تاکید می‌کند و از جمهور هم نقل کرده که خرید و فروش اسباب بازی برای دختران جایز است تا از همان دوران کودکی تربیت شوند برای کار خانه و تربیت فرزندان. حافظ می‌گوید: و بعضی هم می‌گویند این

روایت منسوخ است و ابن بطال هم به این نظریه تمایل دارد، و ابن ابی زید از مالک نقل می‌کند که او مکروه دانسته که مرد برای دخترش عروسک بخرد به همین خاطر داودی ترجیح داده که این روایت منسوخ است.

ابن حبان می‌گوید این روایت دلیل بر مباح بودن بازی کردن با اسباب بازی است، و نسائی معتقد است که مباح است برای مرد که اسباب بازی را برای زنش تهیه نماید و این مخصوص کودکان نیست که این نظریه خالی از اشکال نیست. بی‌هقی بعد از تخریح این احادیث می‌گوید: نهی از برداشتن تصاویر و تمثال ثابت است و رخصتی که برای عایشه در نظر گرفته شده است حمل بر قبل از تحریم می‌شود، و ابن الجوزی نیز همین را می‌پذیرد و می‌گوید: ابو داود و نسائی از طریقی دیگر از عایشه رضی الله عنها نقل می‌کنند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از غزوه تبوک یا خیبر برگشت و حدیث پاره کردن پارچه سر در خانه را ذکر کرد و عایشه گفت: گوشه‌ای از پرده نمایان گشت که اسباب بازی‌های من در آن بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عایشه این چیست؟ عایشه فرمود: دخترانم هستند و عایشه گفت: در میان اسباب بازیها اسبی بود که دو بال داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این چیست؟ عایشه گفت: اسب است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اسب با دو تا بال؟ گفتم: مگر نشنیده اید که سلیمان علیه السلام اسب‌هایی دارای دو بال داشت؟ پیامبر صلی الله علیه و آله خندیدند .. تا آنجا که می‌گوید: خطابی در باره این حدیث می‌گوید: بازی کردن با عروسک‌ها مانند بقیه تصاویر نیست که در برگیرنده تهدید و وعید هستند، و رخصتی که برای عایشه در نظر گرفته شده بخاطر این بوده که در آن موقع او به حد بلوغ نرسیده بود.

می‌گوییم: قطعیت نهادن بر سر این مسأله خالی از اشکال نیست، هر چند احتمال آن هست؛ زیرا عایشه در غزوه خیبر دختری چهارده ساله بود یا چهارده سال را تمام کرده بود و یا بیشتر بود و یا نزدیک به چهارده سال بود ولی در غزوه تبوک قطعاً به حد بلوغ رسیده بود، پس روایت آنکه می‌گوید این واقعه در غزوه خیبر اتفاق افتاده ترجیح داده می‌شود، و با آنچه خطابی می‌گوید جمع می‌شود و این از تعارض بهتر است.

از مجموع اقوال دانسته می‌شود، آن حضرت ﷺ که اسباب بازی‌های به تصویر کشیده شده و تمثالها را از بین نبرد چون احتمال دارد بازی عایشه با اسباب بازیها قبل از دستور به از بین بردن تصاویر و تمثال بوده باشد، در این صورت این حدیث با احادیثی که امر به نابودکردن تصاویر هست، نسخ شده است، غیر از تصاویری که سر آنها قطع شده است و یا تصویر بر پارچه یا کاغذی باشد که بی‌ارزش و بی‌اهمیت است، همانگونه که بیهقی و ابن الجوزی می‌گویند و ابن بطال هم آن را ترجیح داده‌است.

و احتمال دارد از عموم نهی تخصیص شده، همانطور که جمهور می‌گویند به خاطر تمرین و تربیت دختران و نیز بازی کردن دخترها با این تصاویر باعث بی‌حرمتی این اشکال می‌شود. و با وجود احتمال مذکور و شک در حلال بودن آن، احتیاط آن است که ترکش نمود، و دختران را با اسباب بازیهای غیر مصور باید تربیت کرد بخاطر دوری جستن از باقی ماندن تصویرها و مجسمه‌ها و نیز عمل نمودن به مضمون این حدیث پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «دَعَّ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ». و نیز فرمایش پیامبر ﷺ در حدیث نعمان بن بشیر که در صحیحین آمده: «الْحُلَالُ بَيْنَ وَالْحَرَامِ بَيْنٌ وَيَبْنُهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ».

یعنی: «حلال روشن است و حرام نیز مشخص است ولی میان آن دو اموری است که مشتبه هستند، و بسیاری از مردم نمی‌دانند. پس کسی که از شبهات دوری جوید، دین و ناموس خویش را از حرام تبرئه نموده است، و کسی که وارد شبهات شود، وارد حرام گشته است همچون چوپانی که در حول و حوش حریم ممنوعه حیواناتش را می‌چراند، ممکن است که داخل منطقه ممنوعه شود».

والله أعلم بالصواب

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.